

مجله علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۵
دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۳
ص: ۱۰۹-۱۳۴

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۴/۵
تاریخ بررسی مقاله: ۸۵/۴/۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۳/۲۶

بررسی رابطه سبکهای دلبستگی بزرگسالی با جهت گیری به کار و درگیری با کار در پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان

اسحق رحیمیان بوگر**

دکتر ابوالقاسم نوری*

دکتر حمیدرضا عریضی*

دکتر حسین مولوی*

دکتر عبدالرضا فروغی مبارکه

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تعیین رابطه سبکهای دلبستگی بزرگسالی با جهت گیری به کار و درگیری با کار در بین پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان بوده است. در این پژوهش سبکهای دلبستگی بزرگسالی متغیرهای پیش بین و جهت گیریهای کاری و درگیری با کار متغیرهای ملاک بودند. در این پژوهش، ۱۶۰ (۹۵ زن و ۶۵ مرد) نفر از پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان به شیوه نمونه برداری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نوع پژوهش توصیفی (همبستگی) بود. آزمودنیها پرسشنامه‌های سبک دلبستگی بزرگسالی، پرسشنامه جهت گیری به کار و پرسشنامه درگیری با کار را تکمیل کردند. در این پژوهش روش آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام به کار برده شد. نتایج نشان دادند که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنیهای دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا جهت گیری به کار ایمن تری دارند. همچنین، میزان درگیری با کار آزمودنیهای دارای سبکهای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نسبت به آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن کمتر است. علاوه بر این، نتایج تحلیل سؤالات هم سهم معنی دار متغیرهای پیش بین با در پیش بینی متغیرهای ملاک نشان داد و مشخص ساخت که سبک دلبستگی می تواند جهت گیری به کار و درگیری با

** دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه اصفهان

* عضو هیأت علمی گروه روان شناسی دانشگاه اصفهان

کار را به خوبی پیش بینی نماید. یافته‌های پژوهش بر اصالت و اهمیت دلبستگی ایمن به منزله یک نیاز نخستین و اساسی در موقعیتهای صنعتی - سازمانی اشاره دارد.

کلیدواژگان: سبکهای دلبستگی بزرگسالی، جهت‌گیری به کار، درگیری با کار

مقدمه

بالبی^۱ (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) فرایند شکل‌گیری دلبستگی^۲ (پیوند عاطفی) نوزاد به مادر را تشریح نمود و معتقد بود که نظریه دلبستگی فقط نظریه تحول^۳ کودک نیست بلکه نظریه تحول در گستره حیات^۴ نیز هست (ویس^۵، ۱۹۹۴). طبق نظر بالبی (۱۹۸۰) روابط دلبستگی همیشه موجودند و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند و بر فعالیتهای مهم دوران بزرگسالی مثل کار و روابط اجتماعی مؤثرند (گودوین^۶، ۲۰۰۳). وست و شلدون کلر^۷ (۱۹۹۴) دلبستگی بزرگسالان را به عنوان روابط دو به دویی تعریف می‌کنند که همجواری با یک شخص ویژه و ترجیح داده شده منجر به دست یافتن یا حفظ احساس ایمنی^۸ می‌گردد. در پی این

پژوهشها اینزورت، بلهر، واترز و وال^۹ (۱۹۷۸) سه سبک دلبستگی ایمن^{۱۰}، اجتنابی^{۱۱} و دوسوگرا^{۱۲} را تشخیص دادند. استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع پژوهشهای جدید در این زمینه بوده و نتایج به دست آمده این استمرار را تأیید می‌کنند (مین، کاپلان و کسیدی^{۱۳}، ۱۹۸۵). دلبستگی ایمن با ویژگیهای ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد، و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فینی و نولر^{۱۴}، ۱۹۹۰). نظریه دلبستگی به دنبال توضیح برخی جنبه‌های کلیدی کار و عشق است (کارتز و گاپ^{۱۵}، ۲۰۰۲). کار از لحاظ

9- Ainsworth, Blehar, Waters & Wall
10- secure
11- avoidant
12- ambivalent
13- Main, Kaplan & Cassidy
14- Feeney & Noller
15- Carter & Gapp

1- Bowlby
2- attachment
3- development theory
4- life span
5- Weiss
6- Goodwin
7- West & Sheldon-Keller
8- security

عملکردی مشابه آن چیزی است که بالبی
اکتشاف^۱ نامیده است و دلبستگی بزرگسالی
فعالیت کار را به نحوی حمایت می‌کند که
دلبستگی کودکی اکتشاف را حمایت می‌کند
(هازن و شیور^۲، ۱۹۹۰). کار منبع مهم لیاقت
و شایستگی در بزرگسالان است و هر سبک
دلبستگی به جهت‌گیری خاص خود یعنی
جهت‌گیری ایمن نسبت به کار، جهت‌گیری
اجتنابی نسبت به کار و جهت‌گیری دوسوگرا
نسبت به کار همراه است (هازن و شیور،
۱۹۹۰).

جهت‌گیری به کار شامل تفاوت‌های فردی
در کیفیت کار است که از پیامدهای اولیه
تفاوت در کیفیت دلبستگی محسوب می‌شود
(مین، ۱۹۸۳، به نقل از هازن و شیور، ۱۹۹۰).
به عبارت دیگر، جهت‌گیری به کار عبارت
است از اشتیاقات حرفه‌ای فرد به طوری که
معرف خودپنداره او بر حسب شغل وی
می‌باشد (اوگبرو و اوینگ^۳، ۲۰۰۰). پژوهشها
نشان داده‌اند که موفقیت در شغل همراه با
ترک کار پایین و سطوح تعهد و خشنودی
شغلی بالا از طریق درک و فهم بهتر نیازهای
افراد به شغلشان و جهت‌گیری آنان به

کارشان حاصل می‌شود (اوگبرو و اوینگ،
۲۰۰۰).

درگیری با کار باوری هنجاری است که
علت آن در پیشینه فردی قرار دارد و آن را با
اخلاق کاری پروتستانیزم^۴ یکی دانسته‌اند
(کانونگو^۵، ۱۹۸۲). درگیری با کار عبارت
است از "شدت همانند سازی روانشناختی
یک فرد با شغل خود" (لاولر و هال^۶، ۱۹۷۰،
ص ص. ۳۱۰ تا ۳۱۱). گایان^۷ (۱۹۵۸)
می‌نویسد: درگیر شدن خود با شغل عبارت
از آن است که فرد شغل خود را به حدی
برای جامعه و شرکت مهم بداند که حتی
تواند خطاهای احتمالی سرپرست خود را
تحمل کند (صفحه ۶۰). وروم^۸ (۱۹۶۲) فرد
را در شغل یا تکلیف خود به میزانی درگیر
می‌داند که عزت نفس او تحت تأثیر عملکرد
او قرار گیرد، یعنی با عملکرد خوب افزایش
و با عملکرد بد کاهش یابد، یعنی، میزانی
است که در آن شکست و موفقیت در ایفای
نقش شغلی بر خودانگاره فرد تأثیر
می‌گذارند. در طبقه دیگر، درگیری با کار
مؤلفه‌ای از خودانگاره در نظر گرفته شده

4- Protestantism work ethic

5- Kannugo

6- Lawler & Hall

7- Guion

8- Vroom

1- exploration

2- Hazan & Shaver

3- Ugboro & Obeng

است و منظور از آن میزان همانندسازی فرد با کار و یا اهمیت کار در پدیدآیی خودانگاره وی می‌باشد (لودال و کجنر^۱، ۱۹۶۵). لاولر و هال (۱۹۷۰) نیز همانندسازی فرد را با کار خود درگیری با کار می‌دانند. از نظر آنها موقعیت شغلی برای پدیدآیی هویت فرد نقش اصلی را دارد. مارر^۲ (۱۹۶۹) از واژه انگیزش نقش شغلی برای توصیف درگیری با کار استفاده می‌کند. به نظر او میزانی که نقش شغلی فرد برای او مهم است و از آن برای تعریف و ارزشیابی خود استفاده می‌کند، درگیری با کار وی است.

تحقیقات زیادی در باب رابطه سبک دلبستگی با جهت‌گیری به کار و درگیری با کار صورت گرفته است. در یک پژوهش توسط رایس و میرزاده^۳ (۲۰۰۰) از لحاظ نظری نتیجه گرفته شد که دلبستگی بزرگسالی با مفهوم انگیزش مؤثر^۴ وایت^۵ رابطه مثبت معنی‌دار دارد و از لحاظ تجربی نیز رابطه بین دلبستگی بزرگسالی و انگیزه پیشرفت به دست آمد و افراد بزرگسال دلبسته ایمن انگیزه پیشرفت و هدف پیشرفت

بیشتری داشتند و بزرگسالان دلبسته نایمن انگیزش کمتری برای پیشرفت داشتند. هازن و شیور (۱۹۹۰) که اولین پژوهش را در مورد روابط بین عشق و کار بر اساس نظریه دلبستگی انجام دادند نتیجه گرفتند که هر سبک دلبستگی با جهت‌گیری خاصی نسبت به کار همراه است و نشان دادند که: آزمودنیهای دارای سبک دلبسته ایمن با اعتماد به کار برخورد می‌کنند و دارای جهت‌گیری ایمن نسبت به کار بودند و رفاه و آسایش کلی بیشتری در حین کار داشتند (جهت‌گیری ایمن به کار). آزمودنیهای سبک دوسوگرا، بیش از حد تحت تأثیر تشویق قرار داشتند و از برگشت به کار، ترس داشتند و روابط بین فردی آنها با کار مداخله می‌کرد و در اکثر موارد، از طرد شدن به خاطر عملکرد ضعیف می‌ترسیدند (جهت‌گیری دوسوگرا به کار) و گروه دلبسته اجتنابی از کار به عنوان وسیله‌ای برای پرهیز از روابط اجتماعی استفاده می‌کردند و اگرچه از نظر اجتماعی خوب عمل می‌کردند، از شغل خود در مقایسه با افراد ایمن احساس رضایت نمی‌کردند (جهت‌گیری اجتنابی به کار).

دیتاماسو، برنان- مک نالتی، راس و بورگس^۶

- 1- Lodahl & Kejner
- 2- Maurer
- 3- Reis & Mirzadeh
- 4- effective motivation
- 5- White

6- Dittomase, Brannen-McNulty, Ross, & Burgess

(۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که دلبستگی ایمن دارای جهت‌گیری ایمن نسبت به کار هستند و بیشتر درگیر و مشغول به کار می‌شوند و پاسخ دهندگان نایمن اجتنابی و دوسوگرا جهت‌گیری و نگرش منفی نسبت به کار و عملکرد خود دارند و بیشتر اوقات، کار خود را رها می‌کنند.

توجه به پیشینه پژوهشی در این زمینه نشان می‌دهد که ارتباط سبک دلبستگی بزرگسالی با جهت‌گیری و درگیری کاری مورد توجه محققان بوده است و نتایج حاکی از آنند که سبک دلبستگی به خوبی این متغیرها را پیش‌بینی می‌نماید و پیش‌بینی بر جهت‌گیری و درگیری کاری محسوب می‌شود (بالبی، ۱۹۸۰؛ ۱۹۸۸؛ برمن و اسپرلینگ^۱، ۱۹۹۴ فرالی، والر و برنان^۲، ۲۰۰۰؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷؛ هازن و شیور، ۱۹۹۰؛ جیمز، تانگ، یاپ^۳، ۲۰۰۰؛ کوهن و اسکولر^۴، ۱۹۷۳؛ سیمپسون؛ ۱۹۹۰؛ مایرز و دیوید^۵، ۱۹۹۳؛ اوگبرو و ابنگ، ۲۰۰۰؛ وتری^۶

و مایرز، ۲۰۰۲؛ کولینز و راید، ۱۹۹۰، راتر^۷، (۱۹۹۵).

با توجه به نقش کلیدی کارکنان بیمارستانی در ارائه خدمات بهداشتی به جامعه و به دلیل اهمیت جهت‌گیری به کار و درگیری با کار در رابطه با سبک دلبستگی در این پژوهش کوشش شده است با بررسی نیروی انسانی شاغل در این زمینه، گامی در راستای شناخت بهتر مشکلات این گروه در کشور برداشته شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبکهای دلبستگی بزرگسالی با جهت‌گیری به کار و درگیری با کار در بین پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان بوده است.

فرضیه‌ها و سؤالهای پژوهش

در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفتند.

- ۱- بین سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با جهت‌گیری ایمن به کار در پرستاران شهر اصفهان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با جهت‌گیری اجتنابی به کار در پرستاران شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

- 1- Berman & Sperling
- 2- Fraley, Waller & Brennan
- 3- James, Thong & Yap
- 4- Kohn & Schooler
- 5- Myers & David
- 6- Vetere

7- Rutter

(بهورزی) و یا اشتغال موقت در بیمارستانها و به طور کلی شامل همه شرایط بجز ملاکهای شمول می‌باشد.

با توجه به ملاحظات مربوط به جامعه پژوهش و با توجه به اینکه آمار پرستاران زن بیشتر از پرستاران مرد است، لذا از این جامعه آماری تعداد ۱۶۰ نفر پرستار (۹۵ پرستار زن و ۶۵ پرستار مرد) به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند.

ابزارهای تحقیق

۱- پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالی^۱

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالی دارای ۱۵ سؤال است و توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) ارائه شده است. این پرسشنامه در یک مقیاس لیکرتی (پنج نقطه‌ای) توسط شرکت کنندگان درجه بندی می‌شود که به هرگز نمره صفر و به تقریباً همیشه نمره ۴ تعلق می‌گیرد. از آزمودنیها خواسته می‌شود تا گزینه‌ای را انتخاب کنند که سبک مشخصه آنها را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس می‌باشد و به هر خرده مقیاس ۵ سؤال تعلق می‌گیرد. نمره‌های خرده مقیاسهای دلبستگی

۳. بین سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با جهت‌گیری دوسوگرا به کار در پرستاران شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

۴- بین سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با میزان درگیری با کار در پرستاران شهر اصفهان رابطه وجود دارد.

سؤال پژوهش حاضر عبارت بود از:

۱- آیا سبکهای دلبستگی در پیش بینی جهت‌گیری ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به کار و میزان درگیری با کار در پرستاران شهر اصفهان رابطه دارند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه پرستاران زن و مرد بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۳ می‌باشد. ملاک شمول در پژوهش حاضر دارا بودن مدرک کاردانی در رشته پرستاری تا بالاترین مقطع در این رشته به علاوه اشتغال رسمی در یکی از بیمارستانهای دولتی شهر اصفهان است. ملاک حذف در این پژوهش اشتغال به پرستاری بدون داشتن مدرک پرستاری

1- Adult Attachment Inventory (AAI)

توسط میانگین پنج سؤال برای هر خرده مقیاس به دست می‌آید. تحلیل عامل پرسشنامه هزن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولینز و راید^۱ (۱۹۹۰) به استخراج سه عامل عمده منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می‌شود. هزن و شیور (۱۹۸۷) پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد. کولینز و راید (۱۹۹۰) هم پایایی بالایی با آلفای کرونباخ (۰/۷۹) در مورد این ابزار به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس سبک ایمن ۰/۷۷، در خرده مقیاس سبک اجتنابی ۰/۸۱، در خرده مقیاس سبک دوسوگرا ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد که نشان دهنده همسانی درونی پرسشنامه دلبستگی بزرگسالی می‌باشد. اعتبار محتوایی و صوری این پرسشنامه با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پنج نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب همبستگی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۳ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ برای سبک

دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۹ تا ۰/۸۷ برای سبک دلبستگی دوسوگرا به دست آمد. روایی همزمان این ابزار با برنامه مصاحبه ساختمند مین^۲ (۱۹۸۳) انجام گرفت که برای سبک دلبستگی ایمن $r=0.79$ ، برای سبک دلبستگی اجتنابی $r=0.84$ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا $r=0.87$ بود و روایی همزمان کل آزمون $r=0.80$ به دست آمد که جمله‌گی نشان از روایی همزمان این ابزار دارند. ضرایب همبستگی پایایی بازآزمایی بین نمره‌های آزمودنیها (۴۰ نفر $n=$) در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنیها $r=0.94$ می‌باشد که نشان دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه مذکور است.

۲- پرسشنامه جهت‌گیری به کار^۳

پرسشنامه جهت‌گیری به کار بر اساس نظر هزن و شیور (۱۹۹۰) توسط پژوهشگران ساخته شد. پایایی آن با روش بازآزمایی و روش ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زیر مقیاسها برای کل آزمودنیها (۴۰ نفر $n=$) در خرده مقیاس جهت‌گیری ایمن به کار ۰/۸۵، در خرده مقیاس جهت‌گیری اجتنابی

۰/۷۷، در خرده مقیاس سبک اجتنابی ۰/۸۱، در خرده مقیاس سبک دوسوگرا ۰/۸۳ و برای کل مقیاس ۰/۷۵ به دست آمد که نشان دهنده همسانی درونی پرسشنامه دلبستگی بزرگسالی می‌باشد. اعتبار محتوایی و صوری این پرسشنامه با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پنج نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب همبستگی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۳ برای سبک دلبستگی ایمن، از ۰/۶۷ تا ۰/۸۰ برای سبک

2- Adult Attachment Interview

3- Work Orientation Inventory

1- Collins & Read

به کار ۰/۸۸ و در خرده مقیاس جهت گیری می باشد.

دوسوگرا به کار ۰/۹۱ و ضریب آلفای

کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۰ به دست آمد

که نمایشگر همسانی درونی این ابزار

پژوهشی می باشد. اعتبار محتوایی و صوری

این مقیاس با سنجش ضرایب همبستگی بین

نمره های پنج نفر از متخصصان روان شناسی

مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب

همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ برای جهت گیری

ایمن به کار، از ۰/۶۰ تا ۰/۸۶ برای

جهت گیری اجتنابی به کار و از ۰/۶۴ تا ۰/۸۵

برای جهت گیری دوسوگرا به کار به دست

آمد. روایی همزمان این ابزار، به طور همزمان

با پرسشنامه جهت گیری به کار ایگباریا و

همکاران^۱ (۲۰۰۰) انجام شد که برای

جهت گیری ایمن به کار $r=0/87$ ، برای

جهت گیری اجتنابی به کار $r=0/92$ ، و برای

جهت گیری دوسوگرا به کار $r=0/94$ به دست

آمد. روایی همزمان کل آزمون نیز $r=0/83$

بود. که حاکی از روایی همزمان این ابزار

است. ضرایب همبستگی پایایی بازآزمایی بین

نمره های آزمودنیها (۴۰ نفر n) در دو نوبت

با فاصله دو هفته برای کل آزمودنیها $r=0/77$

بود که نشان دهنده پایایی ابزار مذکور

۳- پرسشنامه درگیری با کار^۲

پرسشنامه درگیری با کار توسط کانونگو

(۱۹۸۲) ارائه شده است و توسط عریضی

(۱۳۸۲) هنجاریابی و اعتباریابی شده است.

پرسشنامه درگیری با کار بر روی نمونه ای از

۲۵۰ نفر از کارکنان شرکتهای دولتی اصفهان

اجرا شد که همه آنها مدرک کارشناسی به بالا

داشتند (عریضی، ۱۳۸۲). پایایی، اعتبارسازه،

صوری و محتوایی آزمونها مشخص شده

است. اعتبار همگرا و تمیزی بین مقیاسها از

طریق روش اعتبار چندصفتی، چند روشی

(کمپل و فیسک^۳، ۱۹۵۹، به نقل از عریضی،

۱۳۸۲) نشان می دهد که مقیاسهای نموداری

و پرسشنامه ای بهتر از مقیاس افتراق معنایی

پایایی دارند. برای سؤالهای پرسشنامه،

اعتباریابی صوری و محتوایی بدین شکل

انجام گرفت که از ۱۰ داور جامعه شناسی و

۱۰ داور روان شناسی خواسته شد که در مورد

این سؤالات نظر دهند. داوران دارای درجه

کارشناسی ارشد به بالاتر بودند و در مورد

دل بستگی شغلی و دل بستگی به کار اطلاعات

داشتند. آنها در مورد گنجانیدن سؤالات در هر

2- work involvement inventory

3- Campbell & Fiske

1- Igbaria & et al.

دلبستگی به کار به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۶۲ بوده است. همه ضرایب پرسشنامه در سطح معنی‌داری ۰/۰۱، معنی‌دار هستند و اعتبار همگرایی مقیاس دلبستگی به کار و دلبستگی شغل را نشان می‌دهند. اعتبار همگرایی پرسشنامه و مقیاسهای نموداری دلبستگی به شغل برابر ضریب همبستگی ۰/۷۸ و با دلبستگی به کار برابر ۰/۶۳ می‌باشند که دلالت بر اعتبار همگرا دارد. در این پژوهش عربضی (۱۳۸۲) نشان داد که پرسشنامه درگیری با کار ویژگیهای روانسنجی قابل قبولی دارد و از روایی و پایایی خوبی برخوردار است.

یافته‌ها

ابتدا در قسمت یافته‌های توصیفی به ارائه میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمونه‌های مختلف پژوهش بر حسب جنسیت پرداخته شده است و در ادامه در قسمت یافته‌های استنباطی به آزمون فرضیه‌های پژوهشی و تحلیل رگرسیون گام به گام برای سؤالات پژوهشی پرداخته شده است. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمونه‌های پژوهش را در آزمون سبکهای دلبستگی، جهت‌گیری به کار و درگیری با کار پرستاران بر حسب جنسیت و خرده

مقیاس توافق کامل داشتند. در روش دوم برای ساخت مقیاسها از روش افتراق معنایی استفاده شد. در اینجا ۱۰ نفر دانشجوی روان‌شناسی موظف شدند تا واژه‌های مترادف و متضاد با دلبستگی شغلی را در فرهنگ مرور کنند تا دو قطب افتراق معنایی را پدید آورند و کلیه واژه‌های اصلی افتراق معنایی را از این طریق بسازند. آنها یازده ماده دوقطبی را مشخص کردند که هر آزمودنی باید پاسخ خود را بر روی یک طیف هفت درجه‌ای به ماده‌های مربوط به دلبستگی شغلی افتراق معنایی و دلبستگی به کار افتراق معنایی می‌داد. پایایی با روش بازآزمایی و نیز با روش آلفای کرونباخ برای مقیاسهای دلبستگی به شغل و دلبستگی به کار محاسبه شد و در روش کرونباخ ۰/۸۳ و در روش بازآزمایی ۰/۶۸ به دست آمد که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد. در تحلیل ماده‌های مقیاسهای افتراق معنایی میانه ماده با کل ماده‌های مقیاس افتراق معنایی دلبستگی به شغل ۰/۷۵ در دامنه ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ به دست آمده است. میانه همبستگی بین یک ماده با کل ماده‌های مقیاس دلبستگی به کار ۰/۷۱ به دست آمده است. دامنه آن از ۰/۶۲ تا ۰/۷۹ بوده است. ضرایب همبستگی درونی ماده‌ها در مقیاسهای نموداری دلبستگی به شغل و

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های پرستاران در آزمون سبکهای دلبستگی، جهت‌گیری به کار و درگیری با کار

کل نمونه			زنان			مردان			جنسیت
انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	سبک دلبستگی
۴/۵۷	۱۱/۰۶	۱۶۰	۴/۱۵	۱۱/۳۲	۹۵	۵/۱۳	۱۰/۷۰	۶۵	دلبستگی ایمن
۴/۱۷	۹/۰۰	۱۶۰	۴/۰۵	۹/۱۲	۹۵	۴/۳۶	۸/۸۳	۶۵	دلبستگی اجتنابی
۴/۳۷	۸/۱۰	۱۶۰	۴/۲۲	۷/۸	۹۵	۴/۵۷	۸/۵۴	۶۵	دلبستگی دوسوگرا
۵/۳۱	۱۳/۱۰	۱۶۰	۴/۷۲	۱۳/۸۳	۹۵	۵/۹۴	۱۲/۰۳	۶۵	جهت‌گیری ایمن
۴/۸۷	۱۰/۰۶	۱۶۰	۴/۸۴	۱۰/۴۴	۹۵	۴/۹۰	۹/۵۱	۶۵	جهت‌گیری اجتنابی
۵/۱۸	۹/۲۴	۱۶۰	۵/۱۱	۹/۳۰	۹۵	۵/۳۱	۹/۱۷	۶۵	جهت‌گیری دوسوگرا
۱۱/۸۴	۳۱/۰۵	۱۶۰	۱۰/۱۰	۳۲/۵۰	۹۵	۱۳/۸۲	۲۸/۹۵	۶۵	درگیری با کار

مقیاسهای آزمونها نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین کل نمره‌های پرستاران در سبک دلبستگی ایمن برابر با ۱۱/۰۶ و انحراف استاندارد ۴/۵۷ می‌باشد. این مقادیر برای سبک دلبستگی اجتنابی به ترتیب ۹ و ۴/۱۷ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا ۸/۱۰ و ۴/۳۷ می‌باشد. میانگین کل پرستاران در جهت‌گیری ایمن به کار ۱۳/۱۰ با انحراف استاندارد ۵/۳۱ می‌باشد. این مقادیر برای جهت‌گیری اجتنابی به کار ۱۰/۰۶ با استاندارد ۴/۸۷ و برای جهت‌گیری دوسوگرا ۹/۲۴ و ۵/۱۸ می‌باشد. این تفکیک ارائه شده‌اند. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش: در این زمینه ذکر این نکته لازم است که در ابتدا به بررسی رابطه بین متغیرها بر اساس فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد، در ادامه در مواردی که این رابطه‌ها معنی‌دار بودند، به بررسی میزانی که هر یک از متغیرهای پیش بین متغیر ملاک مربوط را تبیین کرده پرداخته شده است. بدین منظور از آزمون تحلیل

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین نمره‌های جهت گیری ایمن به کار و سبکهای دل بستگی در پرستاران

معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد	سبک دل بستگی
۰/۰۰۰	۰/۸۶۹	۱۶۰	دل بستگی ایمن
۰/۰۰۰	-۰/۴۷۰	۱۶۰	دل بستگی اجتنابی
۰/۰۰۰	-۰/۳۵۹	۱۶۰	دل بستگی دوسوگرا

پرستاران کاهش می‌یابد. سرانجام، سطر سوم جدول ۲ بیانگر آن است که ضریب همبستگی بین نمره‌های سبک دل بستگی دوسوگرا و جهت گیری کاری ایمن پرستاران، $-۰/۳۵۹$ می‌باشد. این ضریب همبستگی منفی نیز از لحاظ آماری در سطح $(P < ۰/۰۵)$ یک رابطه معنی دار را نشان می‌دهد. بنابراین، هر چه نمره‌های سبک دل بستگی دوسوگرا در پرستاران بالاتر باشد، میزان جهت گیری ایمن به کار در آنان به همان اندازه کاهش می‌یابد. یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش در جدول شماره ۳ درج شده‌اند. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند که ضریب همبستگی بین جهت گیری اجتنابی به کار و سبک دل بستگی ایمن $-۰/۵۶۹$ می‌باشد که این همبستگی منفی از لحاظ آماری در سطح $(P < ۰/۰۵)$ معنی دار می‌باشد و فرضیه ششم مربوط به آن تأیید می‌شود. بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که هر چه سبک دل بستگی پرستاران ایمن تر باشد، جهت گیری اجتنابی

رگرسیون گام به گام استفاده شد: یافته‌های مربوط به فرضیه اول پژوهش در جدول شماره ۲ درج شده است. سطر اول جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین نمره‌های جهت گیری ایمن به کار و سبک دل بستگی ایمن $۰/۸۶۹$ می‌باشد. این ضریب همبستگی از لحاظ آماری در سطح $(P < ۰/۰۵)$ معنی دار می‌باشد و فرضیه اول برای آن تأیید می‌گردد؛ لذا نتیجه گرفته می‌شود که هر چه نمره‌های سبک دل بستگی ایمن بالاتر باشد، به همان اندازه جهت گیری کاری نیز ایمن تر خواهد بود. سطر دوم جدول ۲ حاکی است که ضریب همبستگی بین جهت گیری ایمن به کار و سبک دل بستگی اجتنابی $-۰/۴۷۰$ می‌باشد، این ضریب همبستگی منفی نیز از لحاظ آماری در سطح $(P < ۰/۰۵)$ یک رابطه معنی دار را نشان می‌دهد و بر اساس آن نتیجه گرفته می‌شود که هر چه نمره‌های سبک دل بستگی اجتنابی بالاتر باشد، میزان دل بستگی ایمن

جدول ۳. ضریب همبستگی بین جهت‌گیری اجتنابی به کار و سبکهای دل‌بستگی در پرستاران

معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد	سبک دل‌بستگی
۰/۰۰۰	-۰/۵۶۹	۱۶۰	دل‌بستگی ایمن
۰/۰۰۰	۰/۸۵۷	۱۶۰	دل‌بستگی اجتنابی
۰/۰۰۰	۰/۳۸۳	۱۶۰	دل‌بستگی دوسوگرا

به کار در آنان کمتر است. همچنین، نتایج جدول ۳ بیانگر وجود یک ضریب همبستگی ۰/۸۵۷ بین جهت‌گیری اجتنابی به کار و سبک دل‌بستگی اجتنابی است؛ این ضریب همبستگی از لحاظ آماری در سطح ($P < ۰/۰۵$) معنی‌دار است و می‌توان نتیجه گرفت که هر چه نمره‌های سبک دل‌بستگی اجتنابی بالاتر باشد، جهت‌گیری اجتنابی به کار نیز به همان اندازه بیشتر می‌شود. به علاوه، نتایج جدول ۳ نشانگر وجود یک ضریب همبستگی ۰/۳۸۳ بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا و جهت‌گیری اجتنابی به کار است. این ضریب همبستگی نیز بیانگر وجود یک رابطه آماری معنی‌دار در سطح ($P < ۰/۰۵$) می‌باشد که هر چه نمره‌های سبک دل‌بستگی ایمن، کاهش می‌یابد، ولی با افزایش نمره‌های سبکهای دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد.

یافته‌های مربوط به فرضیه سوم پژوهش در جدول شماره ۴ درج شده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین جهت‌گیری دوسوگرا به کار و دل‌بستگی ایمن ۰/۴۷۲- می‌باشد. این ضریب همبستگی

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین نمره‌های جهت‌گیری دوسوگرا به کار و سبکهای دل‌بستگی در پرستاران

معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد	سبک دل‌بستگی
۰/۰۰۰	-۰/۴۷۲	۱۶۰	دل‌بستگی ایمن
۰/۰۰۰	۰/۳۹۵	۱۶۰	دل‌بستگی اجتنابی
۰/۰۰۰	۰/۸۸۲	۱۶۰	دل‌بستگی دوسوگرا

منفی، از لحاظ آماری در سطح ($P < 0/05$) افزایش میزان دلبستگی اجتنابی پرستاران، جهت‌گیری دوسوگرا به کار در آنان افزایش می‌یابد. در نهایت، ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی دوسوگرا و جهت‌گیری دوسوگرا به کار $0/882$ می‌باشد که یک ضریب همبستگی معنی‌دار آماری در سطح ($P < 0/05$) می‌باشد. بنابراین، با تأیید فرضیه سوم برای آن می‌توان گفت که جهت‌گیری دوسوگرا به کار با افزایش نمره‌های سبک دلبستگی دوسوگرا به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد.

یک رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد و فرضیه سوم برای آن تأیید می‌شود و می‌توان گفت که هر چه سبک دلبستگی پرستاران ایمن‌تر باشد، جهت‌گیری دوسوگرا به کار در آنان کمتر می‌شود. همچنین، ضریب همبستگی بین جهت‌گیری دوسوگرا به کار و سبک دلبستگی اجتنابی $0/395$ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح ($P < 0/05$) معنی‌دار است و فرضیه سوم نیز برای آن تأیید می‌گردد؛ بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که با

جدول ۵. ضرایب همبستگی بین نمره‌های درگیری با کار و سبکهای دلبستگی در پرستاران

معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد	سبک دلبستگی
0/000	0/693	160	دلبستگی ایمن
0/000	-0/416	160	دلبستگی اجتنابی
0/000	-0/529	160	دلبستگی دوسوگرا

نمره‌های دلبستگی ایمن، میزان درگیری با کار پرستاران نیز به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. همچنین، ضریب همبستگی بین نمره‌های درگیری با کار و سبک دلبستگی اجتنابی $-0/416$ می‌باشد که از لحاظ آماری در سطح ($P < 0/05$) وجود یک رابطه معنی‌دار معکوس را نشان می‌دهد. لذا، فرضیه چهارم در این جا هم تأیید می‌گردد و نتیجه

یافته‌های مربوط به فرضیه چهارم پژوهش در جدول شماره ۵ درج شده است. جدول ۵ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین نمره‌های درگیری با کار و سبک دلبستگی ایمن در پرستاران $0/693$ می‌باشد. این ضریب همبستگی از لحاظ آماری در سطح ($P < 0/05$) معنی‌دار است، لذا با تأیید فرضیه چهارم، نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش

گرفته می‌شود که هر چه نمره‌های سبک دلبستگی اجتنابی افزایش یابد، میزان درگیری با کار در پرستاران کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، ضریب همبستگی بین درگیری با کار و سبک دلبستگی دوسوگرا $-0/529$ می‌باشد، این ضریب همبستگی منفی نیز از لحاظ آماری در سطح $(P < 0/05)$ معنی‌دار است و فرضیه چهارم برای رابطه این دو متغیر هم تأیید می‌شود و بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که با افزایش نمره‌های سبک دلبستگی دوسوگرا میزان درگیری با کار پرستاران کاهش می‌یابد.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش بینی جهت‌گیری ایمن به کار بر اساس سبکهای دلبستگی

مرحله	متغیر وارد معادله شده	ضریب همبستگی چندگانه	سهم کل در مرحله	خطای استاندارد	اطلاعات مربوط به ضریب همبستگی چندگانه				
					سهم هر متغیر	F	DF	DF	سطح معنی داری
۱	دلبستگی ایمن	۰/۸۶۹	۰/۷۵۵	۲/۶۳	۰/۷۵۵	۴۸۷/۹۴	۱	۱۵۸	۰/۰۰۰
۲	دلبستگی اجتنابی	۰/۸۷۶	۰/۷۶۷	۲/۵۸	۰/۰۱۲	۹/۸۱	۱	۱۵۷	۰/۰۰۶

یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش در جدول شماره ۶ درج شده است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که در مرحله اول تحلیل رگرسیون متغیر دلبستگی ایمن وارد معادله شده است که ضریب همبستگی چندگانه آن برابر $0/869$ می‌باشد. این ضریب بیانگر آن است که دلبستگی ایمن $75/5$ درصد نمره‌های جهت‌گیری ایمن به کار را به طور

معنی‌داری تبیین می‌کند. در مرحله دوم نمره‌های سبک دلبستگی اجتنابی به معادله اضافه شده است که ضریب همبستگی چندگانه آن $0/876$ می‌باشد و مبین آن است که سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی $76/7$ درصد نمره‌های جهت‌گیری ایمن به کار را تبیین می‌کند. دلبستگی اجتنابی به طور مستقل $1/2$ درصد نمره‌های جهت‌گیری ایمن

به کار را به طور معنی داری تبیین می کند. یافته های مربوط به سؤال دوم پژوهش در جدول ۷ ضرایب معادله پیش بینی جهت گیری ایمن به کار پرستاران را بر اساس سبکهای دلبستگی با استفاده از نمره های خام و استاندارد و معنی داری قدرت پیش بینی آنها نشان می دهد.

یافته های مربوط به سؤال دوم پژوهش در جدول شماره ۸ درج شده است. نتایج جدول ۸ نشان می دهند که ضریب همبستگی چندگانه دلبستگی اجتنابی ۰/۸۵۷ می باشد که بیانگر آن است که نمره های سبک دلبستگی اجتنابی ۷۳/۵ درصد نمره های جهت گیری

جدول ۷. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد معادله پیش بینی جهت گیری ایمن به کار پرستاران

معنی داری	t	ضریب استاندارد بتا	ضریب غیراستاندارد		متغیر
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۴/۳۸	-	۰/۹۰	۳/۹۵	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۱۹/۱۷	۰/۸۲	۰/۰۵	۰/۹۵۱	دلبستگی ایمن
۰/۰۰۰	-۲/۸۰	۰/۱۲	۰/۰۵	-۰/۱۵۲	دلبستگی اجتنابی

جدول ۸. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در پیش بینی جهت گیری اجتنابی به کار بر اساس سبکهای دلبستگی

اطلاعات مربوط به ضریب همبستگی چندگانه				خطای استاندارد	سهم کل در مرحله	ضریب همبستگی چندگانه	متغیر وارد معادله شده	مرحله	
معنی داری	DF _۲	DF _۱	F						
۰/۰۰۰	۱۵۸	۱	۴۳۷/۴۰	۰/۷۳۵	۲/۵۱	۰/۷۳۵	۰/۸۵۷	دلبستگی اجتنابی	۱
۰/۰۰۰	۱۵۷	۱	۳۶/۰۲	۰/۰۵۰	۲/۲۸	۰/۷۸۴	۰/۸۸۸	دلبستگی ایمن	۲

جدول ۹. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد معادله پیش‌بینی جهت‌گیری اجتنابی به کار پرستاران

سطح معنی‌داری	t	ضریب استاندارد بتا	ضریب غیراستاندارد		متغیر
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۶/۳۶	-	۰/۷۹۶	۵/۰۶۴	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۱۸/۳۰	۰/۷۵	۰/۰۵	۰/۸۸	دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰۰	-۶/۰۰	-۰/۲۵	۰/۰۴	-۰/۲۶	دلبستگی ایمن

معادله شد، که دارای ضریب همبستگی چندگانه ۰/۸۸۲ می‌باشد و ۷۷/۸ درصد نمره‌های جهت‌گیری دوسوگرا به کار را به طور معنی‌داری تبیین می‌کند ($P < ۰/۰۵$). در مرحله دوم متغیر دلبستگی ایمن به معادله اضافه می‌شود و با ضریب رگرسیون ۰/۹۰۶ میزان پیش‌بینی را تا ۸۲/۱ درصد افزایش می‌دهد، در واقع سبک دلبستگی ایمن ۴/۳ درصد نمره‌های جهت‌گیری دوسوگرا به کار را به طور معنی‌دار همچنین می‌کند ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۱۱ ضرایب معادله پیش‌بینی جهت‌گیری دوسوگرا به کار را بر اساس سبکهای دلبستگی با استفاده از نمره‌های خام و استاندارد و معنی‌داری قدرت پیش‌بینی آنها نشان می‌دهد.

یافته‌های مربوط به سؤال چهارم پژوهش در جدول شماره ۱۲ درج شده‌اند. نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهند که برای پیش‌بینی میزان درگیری با کار، ابتدا متغیر دلبستگی

اجتنابی به کار را به طور معنی‌داری در مرحله اول تحلیل رگرسیون تبیین می‌کند ($P < ۰/۰۵$). در مرحله دوم و با اضافه شدن دلبستگی ایمن به معادله، این میزان پیش‌بینی به ۷۸/۴ درصد افزایش می‌یابد که ۵ درصد آن سهم خالص متغیر دلبستگی ایمن می‌باشد. بر این اساس، می‌توان گفت که دلبستگی اجتنابی و دلبستگی ایمن ۷۸/۴ درصد نمره‌های جهت‌گیری کاری اجتنابی را پیش‌بینی می‌کنند ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۹ ضرایب معادله پیش‌بینی جهت‌گیری اجتنابی به کار را بر اساس سبکهای دلبستگی با استفاده از نمره‌های خام و نمره‌های استاندارد و معنی‌داری متغیرهای پیش‌بینی کننده نشان می‌دهد.

یافته‌های مربوط به سؤال سوم پژوهش در جدول شماره ۱۰ درج شده است. جدول ۱۰ نشان می‌دهد که در مرحله اول تحلیل رگرسیون، متغیر دلبستگی دوسوگرا وارد

۱۲۵ بررسی رابطه سبکهای دلبستگی بزرگسالی با جهت گیری به کار و درگیری با کار ...

جدول ۱۰. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در جهت پیش بینی جهت گیری دوسوگرا به کار بر اساس سبکهای دلبستگی

مرحله	متغیر وارد معادله شده	ضریب رگرسیون	سهم کل در مرحله	خطای استاندارد	اطلاعات مربوط به ضریب همبستگی چندگانه				
					سهم خالص هر متغیر	F	DF _۱	DF _۲	سطح معنی داری
۱	دلبستگی دوسوگرا	۰/۸۸۲	۰/۷۷۸	۲/۴۵	۰/۷۷۸	۵۵۳/۸۶	۱	۱۵۸	۰/۰۰۰
۲	دلبستگی ایمن	۰/۹۰۶	۰/۸۲۱	۲/۲۱	۰/۰۴۳	۳۷/۵۲	۱	۱۵۷	۰/۰۰۰

جدول ۱۱. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد معادله پیش بینی جهت گیری دوسوگرا به کار پرستاران

متغیر	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	t	معنی داری
	B	خطای استاندارد			
عدد ثابت	۵/۰۶۴	۰/۷۹۶	-	۶/۳۶	۰/۰۰۰
دلبستگی اجتنابی	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۷۵	۱۸/۳۰	۰/۰۰۰
دلبستگی ایمن	-۰/۲۶	۰/۰۴	-۰/۲۵	-۶/۰۰	۰/۰۰۰

ایمن وارد معادله شده است که ضریب همبستگی چندگانه آن ۰/۶۹۳ می باشد و ۴۸/۱ درصد نمره های درگیری با کار را به طور معنی داری تبیین می کند ($P < ۰/۰۵$).

در مرحله دوم متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا به معادله اضافه شده است که در کنار سبک دلبستگی ایمن ضریب رگرسیون به ۰/۷۶۷ و

میزان تبیین واریانس به ۵۸/۴ درصد افزایش می یابد. سبک دلبستگی دوسوگرا به تنهایی ۱۰/۸ درصد میزان واریانس درگیری با کار پرستاران را تبیین می کند.

جدول ۱۳ ضمن این که ضرایب متغیرهای مورد نیاز جهت پیش بینی میزان درگیری با کار پرستاران را بر اساس

جدول ۱۲. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام جهت پیش‌بینی درگیری با کار بر اساس سبک‌های دلبستگی در پرستاران

مرحله	متغیر وارد معادله شده	ضریب همبستگی چند متغیری	سهم کل در مرحله	خطای استاندارد	اطلاعات مربوط به ضریب همبستگی چندگانه				
					سهم خالص هر متغیر	F	DF _۱	DF _۲	سطح معنی‌داری
۱	دلبستگی ایمن	۰/۶۹۳	۰/۴۸۱	۸/۵۶	۰/۴۸۱	۱۴۶/۳۲	۱	۱۵۸	۰/۰۰۰
۲	دلبستگی دوسوگرا	۰/۷۶۷	۰/۵۸۴	۷/۶۴	۰/۱۰۸	۴۲/۳۰	۱	۱۵۷	۰/۰۰۰

جدول ۱۳. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد معادله پیش‌بینی درگیری با کار پرستاران

معنی‌داری	t	ضریب استاندارد بتا	ضریب غیراستاندارد		متغیر
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۹/۵۰	-	۲/۳۰	۲۱/۸۴	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۸۷	۰/۵۸	۰/۱۴	۱/۵۲	دلبستگی ایمن
۰/۰۰۰	-۶/۴۲	۰/۳۵	۰/۱۵	-۰/۹۴	دلبستگی دوسوگرا

بحث و نتیجه‌گیری

نمره‌های سبک‌های دلبستگی آنها بر اساس نمره‌های خام و استاندارد ارائه می‌کند، مبین معنی‌داری قدرت پیش‌بینی این متغیرها نیز می‌باشد ($P < 0/05$).
 نتایج این پژوهش نشان دادند که میانگین کل نمره‌های پرستاران در سبک دلبستگی ایمن برابر با ۱۱/۰۶ و انحراف استاندارد

۴/۵۷ می‌باشد. این مقادیر برای سبک دلبستگی اجتنابی به ترتیب ۹ و ۴/۱۷ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا ۸/۱۰ و ۴/۳۷ می‌باشد. این نتایج با یافته‌های پژوهشی هازن و شیور (۱۹۹۰) که این مقادیر را برای سبک دلبستگی ایمن با میانگین ۱۳ و انحراف استاندارد ۴/۳۳، برای سبک دلبستگی اجتنابی ۸/۳ و انحراف استاندارد ۴/۱۱ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا با میانگین ۶/۵ و انحراف استاندارد ۴/۹۳ به دست آوردند و فنی، نولر و هانراهان (۱۹۹۴) که این مقادیر را برای سبک دلبستگی ایمن با میانگین ۱۰/۱۴ و انحراف استاندارد ۴/۵۰، برای سبک دلبستگی اجتنابی ۷ و انحراف استاندارد ۳/۴۱ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا با میانگین ۵/۸ و انحراف استاندارد ۳/۳۳ به دست آوردند، همسو است. همچنین، با پژوهش دیگر هازن و شیور (۱۹۸۷) که این مقادیر را برای سبک دلبستگی ایمن با میانگین ۱۱/۵ و انحراف استاندارد ۴/۷۲، برای سبک دلبستگی اجتنابی ۷/۹ و انحراف استاندارد ۴/۸۱ و برای سبک دلبستگی دوسوگرا با میانگین ۷/۵ و انحراف استاندارد ۴/۱۳ به دست آوردند، همسویی دارد. همسویی یافته‌ها در زمینه چگونگی توزیع سبکهای دلبستگی در فرهنگهای متفاوت را می‌توان بر اساس دو احتمال تبیین نمود. اول آن که دلبستگی به عنوان یک نیاز نخستین (بالبی، ۱۹۷۳) آمادگیهای زیستی لازم را در زمینه رفتارهای دلبستگی در دو سوی این رابطه، یعنی کودک و مادر، فراهم می‌سازد. دوم آن که در حالی که متغیرهای زیست‌شناختی، ارزشهای حیاتی و تعامل سازنده زوج کودک-مادر در خدمت شکل‌گیری و تقویت دلبستگی ایمن فعالیت می‌کنند، فراهم آمدن شرایطی که بر اساس آن آمادگیهای زیستی در هر دو سوی رابطه مختل شوند و مهم‌تر از آن ارزش‌های و رفتارهای دلبستگی ایمن کاهش یابند، همواره دشوار و نادر خواهد بود. این وضعیت، کاهش فراوانی سبکهای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) را توجیه می‌کند.

در راستای تأیید فرضیه اول پژوهش، نتیجه گرفته شد که هر چه نمره‌های سبک دلبستگی ایمن بالاتر باشد، به همان اندازه جهت‌گیری ایمن به کار نیز بالاتر و هر چه نمره‌های سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بالاتر باشد، میزان جهت‌گیری ایمن پرستاران کاهش می‌یابد. این نتایج با پژوهشهای هازن و شیور (۱۹۹۰) همسو می‌باشند. در راستای تأیید فرضیه دوم پژوهش، نتیجه گرفته شد که هر چه سبک دلبستگی پرستاران ایمن‌تر باشد، جهت‌گیری اجتنابی به کار در آنان

کمتر و هر چه نمره‌های سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بالاتر باشد، جهت‌گیری اجتنابی به کار نیز به همان اندازه بیشتر می‌شود. این نتایج با پژوهش‌های هازن و شیور (۱۹۹۰)، مین، کاپلان و کاسیدی (۱۹۸۵) و گودوین (۲۰۰۳) همسو می‌باشند. در راستای تأیید فرضیه سوم پژوهش، نتیجه گرفته شد که هر چه سبک دلبستگی پرستاران ایمن‌تر باشد، جهت‌گیری دوسوگرا به کار در آنان کمتر و با افزایش میزان دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در پرستاران، جهت‌گیری دوسوگرا در آنان افزایش می‌یابد. این نتایج با پژوهش‌های هازن و شیور (۱۹۹۰)، مین، کاپلان و کاسیدی (۱۹۸۵) و کاسیدی (۱۹۸۵) و گودوین (۲۰۰۳) همسو می‌باشند. در راستای تأیید فرضیه چهارم پژوهش، نتیجه‌گیری شد که با افزایش نمره‌های دلبستگی ایمن، میزان درگیری با کار پرستاران نیز به طور معنی‌داری افزایش می‌یابد و هر چه نمره‌های سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا افزایش یابد، میزان درگیری با کار در پرستاران کاهش می‌یابد. این نتایج با پژوهش‌های هازن و شیور (۱۹۹۰)، مین، کاپلان و کاسیدی (۱۹۸۵) و گودوین (۲۰۰۳) همسو می‌باشند.

چند تبیین احتمالی برای این یافته‌ها مطرح می‌شود: دلبستگی (پیوند عاطفی) با یک فرد خاص، لازمه تحول سالم در فرد است و تجربه دلبستگی ایمن در کودک پایه و زیربنای کنش وری سالم روانی و سلامت عملکرد در دوران بزرگسالی است. از سوی دیگر، یک رابطه دلبستگی ناایمن در نهایت منجر به شخصیتی می‌شود که مشخصه آن بی‌اعتمادی، نارضایتی، بی‌علاقگی، سردرگمی، اختلال عملکرد و مشکلاتی در زمینه‌های مربوط به همدردی با دیگران، کار کردن و ابراز عاطفی می‌باشد. بنابراین، دلبستگی تا اندازه زیادی پویایی‌های مختلف دوران بزرگسالی را تبیین می‌کند. اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به شمار می‌رود (تیدول، ریس^۱ و شیور، ۱۹۹۶).

اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد به فرد این توانایی را می‌دهد که در روابط حرفه‌ای و بین شخصی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد. اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود می‌باشد نیز وی را در جلب

1- Tidwell & Reis

می‌باشند که به وسیله نظامهای رفتاری دو جانبه تنظیم می‌شوند. نظام اکتشاف وقتی به طور متناسب می‌تواند عملکرد داشته باشد که نظام دلبستگی به طور نسبی در حالت سکون و عدم فعالیت باشد، یعنی؛ احساس شود که نماد دلبستگی به طور کافی قابل دسترس و پاسخگو است یعنی حالتی که (آینزورت، بلهر، واترز و وال (۱۹۷۸) آن را به عنوان «پایگاه ایمن» مورد اشاره قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، نیازهای دلبستگی مقدماتی و اولیه هستند؛ این نیازها باید قبل از اینکه اکتشاف به طور طبیعی به پیش برود، برآورده شوند.

نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که همبستگی بین سبکهای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با جهت‌گیری ایمن به کار و درگیری با کار منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است. این نتیجه نیز بر اساس چهار احتمال پیش گفته که در مورد آزمودنیهای نایمن به صورت معکوس صادق می‌باشند، تبیین می‌شود. فقدان اعتماد به خود و به دیگران دو مشخصه اصلی افراد نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) هستند (لوپز، توماس و ساگولا^۱، ۱۹۹۷). فقدان اعتماد به خود با

کمک دیگران یاری می‌رساند. برخورداری از توان اکتشاف‌گری و جوارجویی دو ویژگی دیگر افراد ایمن می‌باشند که می‌توانند یافته‌های پیش را تبیین نمایند (میکولینسر و فلوریان، ۱۹۹۸). توان اکتشاف‌گری، انعطاف‌پذیری و جسارت لازم را در روابط بین شخصی در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد و نزدیکی نیز به منزله یکی از نیازهای فرد ایمن که پیوسته در جستجوی ارضاء می‌باشد به کمک نگرشهای مثبت و دوسویه پس از روابط با دیگران و در کنار اکتشاف‌گری به مهارت‌های فرد در روابط بین شخصی می‌افزاید.

همان‌گونه که بالبی (۱۹۸۰، ۱۹۷۳) عقیده دارد، دلبستگی و کار بر حسب موارد ذیل به هم مرتبط هستند: برای یادگیری و کارآمد شدن در تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی، فرد باید به اکتشاف پردازد. اما اکتشاف می‌تواند خسته کننده و حتی خطرناک باشد، بنابراین، مطلوب است که یک حمایت کننده پاسخگو و در دسترس وجود داشته باشد تا منبع امنیت برای اکتشاف فراهم سازد. طبق نظریه دلبستگی، گرایش به شکل دادن دلبستگی به حمایت کننده (دلبستگی ایمن) و گرایش به کشف محیط (جهت‌گیری ایمن به کار)، گرایشهای اساسی

1- Lopez, Thomas, & Sagula

تحلیل بنیادهای درون روانی، توان رویارویی با موقعیتهای استرس‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی روانشناختی را بر فرد نایمن تحمیل می‌کند. در نتیجه این امر، جهت‌گیری ایمن نسبت به اکتشاف و کار از بین می‌رود و از میزان درگیر شدن با کار کاسته می‌شود. علاوه بر این، افراد دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در مقایسه با افراد ایمن از قدرت اکتشاف‌گری و نزدیکی کمتر بهره‌مندند (میکولینسر هورث، ایلانی و کوتلر، ۱۹۹۹).

اجتنابی‌گری، آرمانگرایی، و اعتماد به خود جبرانی از ویژگیهای اصلی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی (میکولینسر و فلوریان، ۱۹۹۸) است که آنها را در معرض بی‌علاقگی به شغل، کناره‌گیری از شغل و درگیری نشدن در شغل قرار می‌دهد و از طرف دیگر، ویژگیهای اصلی دوسوگراها یعنی تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری (میکولینسر و فلوریان، ۱۹۹۸)، آنها را به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی، استرس و رفتار ناپه‌نجان در موقعیتهای تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌دهد و نتیجه ثانوی این امر بروز جهت‌گیری اجتنابی و دوسوگرا نسبت به کار و درگیر شدن کمتر در کار می‌باشد. بدین

ترتیب، جهت‌گیری به کار و درگیری با کار اجتناب‌گرها و دوسوگراها در مقایسه با ایمنها توجیه می‌شود.

به طور کلی، یافته‌های پژوهش بر اصالت و اهمیت دلبستگی ایمن به منزله یک نیاز نخستین و اساسی در موقعیتهای صنعتی-سازمانی بخصوص در کاهش استرس و نگرانی و افزایش رضایت و رفاه کلی در محیط کار و پدیدآیی جهت‌گیری ایمن به کار و درگیری بالا به کار اشاره دارد. عدم تفاوت سبکهای دلبستگی در آزمودنیهای مرد و زن افزون بر اصالت زیست‌شناختی دلبستگی، بر نقش تعیین‌کننده اوایل کودکی (مرحله عدم تمایز نقشهای جنسی) و استمرار و پایداری سبکهای دلبستگی دلالت می‌کند. توانمندی بیشتر افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در احساس خشنودی شغلی، کمتر تجربه نمودن استرس شغلی، جهت‌گیری ایمن به کار و درگیری بالا در کار در مقایسه با افراد دارای سبکهای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا)، اهمیت و نقش سبکهای دلبستگی را در حیطه‌های شغلی و صنعتی-سازمانی برجسته می‌سازد. از این دیدگاه، بهداشت روانی در موقعیتهای شغلی و صنعتی-سازمانی مستلزم فراهم‌سازی زمینه‌های لازم

برای شکل‌گیری دلبستگی ایمن در به پرستاران بیمارستانهای دولتی و به کار چارچوب روابط کودک-مادر می‌باشد. نبردن روشهای معتبرتر سنجش بالینی مانند محدودیتهای پژوهش احتیاط‌هایی را در مصاحبه از جمله محدودیتهای پژوهش مورد تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم هستند. یافته‌ها می‌طلبند. محدود شدن جامعه آماری

منابع

فارسی

عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۲). بررسی اعتبار همگرا، تمیزی و ملاکی دلبستگی شغلی و دلبستگی به کار در بین کارکنان شرکتهای دولتی اصفهان.

لاتین

- Ainsworth, M.S., Blehar, M.C., Water, E., Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A Psychological study of the strange situation*. Tilsdale, N.J: Elbaum.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*, Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and Loss*, Vol. 2. Separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss*. Sadness and depression. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: clinical applications of attachment theory*. London: Routledge.
- Berman, W.H. & Sperling, M.B. (1994). The structure and function of adult attachment. In M.B. Sperling and W.H. Berman (Eds). *Attachment in adults*. PP. 128. New York: Gilford press.
- Carter, S.G., Gapp, P.R. (2002). *IFSAM conference Gold Coast*, Queensland. Australia.

- Collins, N.L., & Read, S.J. (1990). Adult attachment, working models and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Ditommaso, E., Brannen-McNulty, C., Ross, L., & Burgess, M., (2003). Attachment Styles, Social Skills & Loneliness in Young Adults. *Personality & Individual Differences*, 35, 303-312.
- Feeney, J.A., Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 282-292.
- Feeney, J.A., Noller, P. & Hanrahan, M. (1994). Assessing adult attachment. In Sperling, M.B. and Berhman, W.H. *Attachment in Adults: Clinical and Developmental Perspectives*. Guilford Press N.Y.
- Fraley, R.C., Waller, N.G., & Brennan, K.A. (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *Journal of Personality and social Psychology*, 78, 330-365.
- Goodwin, I. (2003). The relevance of attachment theory to the Philosophy, Organization, & Practice of adult mental health care. *Clinical Psychology Review*, 23, 35-56.
- Guion, R. (1958). Industrial morale- the problem of terminology. *Personnel Psychology*, 11, 59-61.
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1990). Love and work: An attachment theoretical Perspective. *Journal of Personality and social Psychology*, 59, 270-280.
- James, Y., Thong, L., Yap, C. (2000). Information systems & occupational stress: A Theoretical Framework. *Omega*, 28, 681-992.
- Kannugo, R.W. (1982). Measurement of job and work involvement, *Journal of Applied Psychology*, 67(3), 341-349.
- Kohn, M.L., & Schooler, C. (1973). Occupational experience and Psychological functioning: An assessment of reciprocal effects. *American Sociological Review*, 38, 97-118.
- Lawler, E.E. & Hall, D.T. (1970). Relationship of job characteristics to job involvement. Satisfaction and intrinsic motivation. *Journal of Applied Psychology*, 54(4), 305-312.
- Lodahl, T.M., & Kejner, M. (1965). The definition and measurement of job involvement. *Journal of Applied Psychology*, 49, 24-33.

- Lopez, F.G. Thomas, K., & Sagula, D. (1997). An attachment theoretical perspective on the use of splitting defense. *Counseling Psychology Quarterly*, 10, 461-472.
- Main, M. (1983). Exploration, play, and cognitive functioning related to infant-mother attachment. *Infant Behavior and Development*, 6, 167-174.
- Main, M. Kaplan, N. Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood and adulthood; a move to the level of representation. *Monographs of the society for Research in child Development*, 50(1985). PP. 66-104.
- Maurer, J.G. (1969). *Work role involvement of industrial supervisors*. East Lansing: MSU Business Studies.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (1998). The relationship between adult attachment styles and emotional and cognitive reactions to stressful events. In A. Simpson, and W.S.Rholes, *Attachment theory and close relationships*. 143-163. N.Y: Guilford.
- Mikulincer, M., Horesh, N., Eilati, I., Kotler, M. (1999). The association between adult attachment style & mental health in extreme life-endangering conditions. *Personality & Individual Differences*, 27, 831-842.
- Myers, David, G. (1993). *The pursuit, of happiness*, NY. The Aquarian press, Harper Collins Publishers.
- Rice, K.G., & Mirzadeh, S.A. (2000). Perfectionism, attachment, and adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 238-250.
- Rutter, M. (1995). Clinical implications of attachment concepts: Retrospect and prospect. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. Vol. 36. No. 4, pp. 549-571.
- Simpson, J.A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and social Psychology*. 59. 971-980.
- Simpson, A., Rholes, W.S., & Nelligan, J.S. (1992). Support- seeking and supportgiving within couple members in an anxiety- provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of personality and Social Psychology*, 62, 434-446.
- Tidwell, C. Reis, H.T., & Shaver, P. (1996). Attachment, attractiveness and social interaction: A diary study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 729-745.
- Ugboro, O.I., & Obeng, K. (2000). Top management leadership, employee empowerment, job satisfaction, & customer satisfaction in TQM

-
- organizations: An empirical study. *Journal of Quality Management*. 5, 247-272.
- Vetere, A., Myers, L. (2002). Repressive coping styles & adult romantic attachment style: Is there A relationship?. *Personality & Individual Differences*, 32, 799-807.
- Vroom, V.H. (1962). Ego- involvement, job satisfaction, and job performance. *Personnel Psychology*, 15,159-177.
- Weiss, R.S. (1994). Foreward. In M.B. Sperling & W.H. Berman (Eds), **Attachment in adults**. PP. ix-xv. New York: The Guilford press.
- West, M.L. & Sheldon-Keller, A.E. (1994). **Patterns of Relating: An adult attachment perspective**. New York: Gilford.

